حجیت اجماع بسیط

(17:29)

شاگرد: در اینجا می خواهید اینطور بفرمایید که حتی اگر اجماع بسیط هم بود ولی چون کاشف نیست به درد نمی خورد. یعنی بحث این است که کشفی نیست.

استاد: بله، اگر کاشفیت نداشته باشد، مورد اعتناء نیست. فرمایش ایشان هم این است که با حالت نزاع بین دو قول، هر دو قول در یک وجه مشترک هستند. آن وجه کاشف از قول شارع است، پس اگر شما یک قول ثالثی بیاوری که این مشترک را دفع کند، احداث قول ثالث است. همینجا ما می‌گوییم قول ثالثی میآوریم که دافع این اشتراک نباشد. شبیه همین موارد. یعنی جهات ثبوتی چندتا است. آنها مشترک در یک چیزی هستند، ما هم یک قولی میآوریم که قول آنها نیست. اما دافع مشترک آنها هم نیست.

شاگرد۲: اصلاً طرفین هر دو قضیه، ناظر به این حرفها نبوده است.

استاد: بله.

شاگرد: اجماع بسیطی که کاشف باشد و کاشفیت آن برای ما محرز باشد، اصلاً مطابَق دارد؟ اجماع مرکب کاشف می‌شود ولی ممکن هست که برایمان کاشفیت اجماع بسیط احراز بشود در اینطور مسائل؟

استاد: بله اگر إحرازِ اجماع باشد و اجماعِ اعراضیِ مصرّح به باشد، به گمانم کاشف است. یعنی بدنه متشرعه اجماع کرده‌اند بر اعراض از روایت عدد.

شاگرد: هم این طرف و هم آن طرف.

استاد: نه، اجماع بسیط.

شاگرد: یعنی اگر همه گفتند که اینطور نیست، پس کاشف است.

استاد: بله، به شرط اینکه مدرکی نباشد. اجماع بسیط مدرکی بحثش جای خودش.

شاگرد۲: بازگشتش به ارتکاز می‌شود؟

استاد: فقهاء بین اجماع و ارتکاز و ضرورت، یک فرق هایی می‌گذارند. اجماع، تصریح شده است. اما اجماعی که به اعراضش تصریح بشود، یعنی مجمعین فقط نگویند او اینطور گفت و تمام، مثلا گفته من به روایات عدد عامل هستم، مقصود ما این نیست. بلکه اجماع کرده‌اند بر اینکه به روایات روی عامل هستیم، دون العدد. یعنی اعراض تصریحی به اینکه من روایات عدد را قبول ندارم. اگر به این صورت باشد این اجماع بسیط کاشفیت خیلی خوب عقلائی دارد.

شاگرد: ممکن است همینجا همه روایات عدد را به‌خاطر ظهوری که از آن می‌گیرند قبول نکنند. ولی بعداً شما برای روایات عدد توضیحات خوبی میآوردی که کسی که آنها را قبول نداشت بگوید من

به اینها توجه ندا‌شتم.

استاد: این مدرکی می‌شود. من عرض کردم اجماعی که کاشف از بدنه ی نظر ِمتشرعه باشد؛ کسانی که از فقه اهل البیت اتکاز حاصل کرده‌اند، اجماع دارند بر اعراض. نه بر تفوّه به یکی. اگر این جور باشد شما هم قبول می‌کنید. یعنی دلالت را باید به یک صورتی تاویل کنید.

شاگرد۲: فرقشان چه شد؟

استاد: یک ظهوری که شما در کلاس به دست می‌آوری‌د، اگر این ظهور مورد اتفاق مخاطبین گوینده کلام باشد، شما نمی‌توانید بگویید همه غلط فهمیده‌اند. پس ظهور عرفی کجا می‌رود؟!

شاگرد۲: یعنی اجماع کاشف از اتکاز است؟

استاد: نه، اجماع و اتکاز، عام و خاص من وجه می توانند باشند.

شاگرد۲: اجماعی که حجت است و بدنه متشرعه به آن عمل می‌کنند.

استاد: اتکاز می‌تواند در آن جا نباشد. اتکاز در ذهن همه متشرعه فعال است. لذا می‌گویند اتکاز متشرعه. اما اجماع برای متخصصین و فقهاء استکه از اقوال و کتب خبر دارند، درس استاد شرکت کرده‌اند. اینها تفاوت می‌کند. مثلاً آیا مخالفت با اجماع کفر هست یا نه؟ ارتداد می‌آورد یا نه؟ مخالفت ضرورت کفر است؟ آن جا در کتاب الحدود، فقهاء بحث کرده‌اند که آیا مخالفت با اجماع در حکم مخالفت با ضرورت هست یا نیست؟ بگوییم مُجمع علیه است ولی تو مخالفت کردی؟! مخالفت اجماع همان مخالفت با ضرورت هست یا نیست؟ در جواهر بحث شده است.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 13:19:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 14:03:28 توسط ... .